

سَلَامٌ عَلَيْهَا
نور فاطمه زهرا



کتابخانه دیجیتال
www.noorfatemah.org



ترجمه
مناجات شعبانیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ترجمه مناجات شعبانیه

نویسنده:

محمد علی لسانی

ناشر چاپی:

نهضت زنان مسلمان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	ترجمه مناجات شعبانیه
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	ترجمه مناجات شعبانیه
۸	پی نوشتها
۸	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

ترجمه مناجات شعبانیه

مشخصات کتاب

سرشناسه: دعای شعبانیه، فارسی عنوان و نام پدیدآور: مناجات شعبانیه/ ترجمه و نگارش محمدعلی لسانی مشخصات نشر: تهران: نهضت زنان مسلمان، [۱۳۶۲] مشخصات ظاهری: ۲۳ ص فروست: نهضت زنان مسلمان؛ ۵۴ شابک: ۴۶ریال ؛ ۲۵ ریال یادداشت: چاپ؟: [۱۳] موضوع: دعای شعبانیه شناسه افزوده: لسانی فشارکی، محمدعلی، مترجم رده بندی کنگره: BP۲۷۰/ش ۱۳۶۲ ۷۰۴۱ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷۴ شماره کتابشناسی ملی: م ۶۲-۱۲۹

مقدمه

در دعاهاى اسلامى، دریایی از حقایق ناب عرفانى موج می زند. یکی از نغزترین، معروف ترین و زیباترین ادعیه، «مناجات شعبانیه» است که به روایت «ابن خالویه»، این مناجات را حضرت امیر(ع) و امامان دیگر در «ماه شعبان» می خواندند. در «مفاتیح الجنان» نیز در اعمال مشترکه ماه شعبان، به عنوان «عمل هشتم» آمده است و آغاز آن چنین است: «اللهم صل علی محمد و آل محمد و اسمع دعائی اذا دعوتک...». بجاست که از عارف کامل، امام راحل، خمینی عزیز(قدس سره) یاد کنیم که با یاد کرد پیوسته از این دعا و مضامین بلندش، آن هم با زبان و لحنی خاص و شوق انگیز، توجه امت ما را به این گنجینه عرفانى بیشتر معطوف ساخت. به این چند نمونه دقت کنید: «مناجات شعبانیه از مناجات هایى است که اگر یک نفر انسان دلسوخته، یک عارف دلسوخته - نه از این عارفهای لفظی - بخواهد آن را شرح کند، و شرح کند از برای دیگران، بسیار ارزشمند است و محتاج به شرح است...» [۱] «چه بسا مسائل عرفانى که در قرآن و این مناجات های ائمه اطهار(ع) و همین «مناجات شعبانیه» مسائل عرفانى هست که اشخاص، فلاسفه، عرفا، تا حدودی ممکن است ادراک کنند، بفهمند عناوین را، لکن آن ذوق عرفانى چون حاصل نشده است، نمی توانند وجدان کنند.» [۲] و می فرماید: «مناجات «شعبانیه» را خواندید؟ بخوانید آقا! مناجات شعبانیه از مناجات هایى هست که اگر انسان دنبالش برود و فکر در او بکند، انسان را به یک جایی می رساند... همه ائمه هم به حسب روایت می خواندند.» [۳] با وصفی که یاد شد، برای چشیدن قطره ای از معارف زلال این دعای بلند، بر ساحل این دریا می نشینیم. آنچه تقدیم شما خوانندگان صاحبدل «کوثر» می شود، ترجمه ای روان از این مناجات عرفانى است، هر چند که «ترجمه»، هرگز گویای «اصل» نیست و در متن عربی دعا، حلاوتی دیگر است.

ترجمه مناجات شعبانیه

خدایا! بر پیامبر و دودمان پاکش درود فرست، و آنگاه که تو را می خوانم و صدایت می زنم، صدا و دعایم را بشنو و اجابت کن، و آنگاه که با تو نجوا می کنم، بر من عنایت کن، من از همه به سوی تو گریخته و در پیشگاه تو ایستاده ام، در حالی که دلشکسته و نالان درگاه توام و به پاداش تو امیدوار. آنچه را در دل من می گذرد می دانی، از نیاز من آگاهی، ضمیر و درونم را می شناسی و فرجام و سرانجام زندگی و مرگم از تو پنهان نیست. آنچه را که می خواهم بر زبان آورم و از خواسته ام سخن بگویم و به حسن عاقبت امید بندم، همه را می دانی. در آنچه تا پایان عمرم و از نهان و آشکارم خواهد بود، قلم تقدیرت نافذ و جاری است و افزونی و کاهشم و سود و زیانم، تنها به دست توست. اگر محروم سازی، کیست که روزیم دهد؟ و اگر خوارم کنی، کیست که یاریم کند؟ خدایا! از خشم و فرا رسیدن غضبت، به تو پناه می آورم. خدایا! اگر شایسته رحمت تو نیستی، تو سزاواری که رحمت گسترده

ات بر من عطا کنی. خدایا! گویا چنانم که در پیشگاه لطف تو ایستاده ام و سایه سار توکل نیکویم بر من بال گشوده و آنچه را تو شایسته آنی گفته ای و مرا در هاله ای از بخشایش خویش پوشانده ای. خدایا! اگر ببخشایی، کیست که از تو سزاوارتر به عفو باشد؟ اگر اجلم فرا رسیده و کار شایسته ای نداشته ام که مرا به تو نزدیک سازد، اعتراف به گناه را وسیله آمرزش تو ساخته ام. خداوندا! با مهلت و میدانی که به نفس داده ام، بر خویش ستم کرده ام، پس اگر مرا نیامرزی، پس وای بر من. خدایا! همواره در طول زندگی، از لطف و احسانت برخوردار بوده ام، پس از مرگ هم، لطف خویش از من دریغ مدار. خدایا! چگونه مایوس باشم از اینکه پس از مرگ هم نگاه لطف و احسان تو بر من خواهد بود، در حالی که در طول حیاتم، با من جز احسان و نیکی نکرده ای. خدایا! کار مرا آنگونه به سامان برسان که تو سزاوار آنی (نه آن سان که من در خور آنم). خدایا! با بزرگواریت، به من عنایت کن، بر گناهکاری که در لجه جهل خویش فرو رفته است. خدایا! در دنیا گناهایی را بر من پوشانده ای که در آخرت، نیازمندترم که پرده پوشش خود را بر آنها افکنی. خدایا! چون گناهانم را پوشاندی و بر هیچ یک از بندگان شایسته ات فاش نساختی، بر من نیکی کردی، خدایا، پس در روز قیامت نیز رسوای خلائقم مگردان. خدایا جود و بخشش تو، دامنه آرزوهایم را گسترده است و بخشایش تو، برتر از عمل من است. خدایا! آن روز که میان بندگان به داوری می پردازی، با دیدار چهره رفت خود، مسرورم ساز. خدایا! پوزش طلبی من به درگاهت، عذرخواهی کسی است که از عذرپذیری تو بی نیاز نیست، پس عذرم را بپذیر، ای کریم ترین بزرگواری که زشت کاران، به درگاهش عذر گناه می برند. پروردگار من! حاجت و نیازم را رد مکن و دست امید و آرزویم را از درگاه خویش، کوتاه مگردان. خداوندا! اگر می خواستی خوارم کنی، هدایت نمی کردی. و اگر می خواستی رسوایم سازی، از عقوبت دنیا معافم نمی کردی. خدایا! باور ندارم که در حاجتی دست رد به سینه ام بزنی، حاجتی که عمر خویش را در پی آن گذراندم و عمری از تو طلبیدم. خدایا! ستایش ابدی و ثنای سرمدی تنها از آن توست، سپاسی همواره فزاینده و بی کم و کاست، آنگونه که تو دوست داری و می پسندی. خدایا! اگر مرا به جرمم بگیری، دست به دامان عفو تو می زنم. اگر مرا به گناهانم مؤاخذه کنی، تو را به بخشایشت بازخواست می کنم. اگر در دوزخم افکنی، به دوزخیان اعلام خواهم کرد که تو را دوست دارم. خدایا! اگر در کنار طاعتت، معلم کوچک است، امید و آرزویم بزرگ و بسیار است. خدایا! از آستان تو چگونه تهیدست و محروم برگردم، با آنکه گمان نیک من نسبت به جود تو، آن است که نجات یافته و رحمت شده مرا باز گردانی. خدایا! عمرم را در رنج غفلت از تو تباہ ساختم، جوانی ام را در سرمستی دوری از تو هدر دادم، خداوندا! آن روزها که به کرم تو مغرور شدم و راه خشم تو را سپردم، از خواب غفلت بیدار نگشتم. پروردگارا! من بنده توام و زاده بنده تو. در آستان بزرگیت ایستاده ام و کرمت را وسیله تقرب به حضور تو قرار داده ام. خدایا! بنده ای زشت کارم که به عذرخواهی آمده ام، از نگاه تو شرم نداشته ام، اینک از تو بخشش می طلبم، چرا که عفو، صفت بزرگواری توست. آفریدگارا! توان آن نداشته ام که از نافرمانیت دست شوم، مگر آنگاه که به عشق و محبت خویش بیدارم ساخته ای، یا آنگونه بوده ام که تو خود خواسته ای. تو را سپاس، که مرا در کرم خویش وارد کردی و دلم را از آلایشها و کدورت های غفلت از خودت را پاک نمودی. پروردگارا! مرا بنگر، نگاه آنکه ندایش دادی پس پاسخت گفت، و به طاعتش فراخواندی و به یاریش گرفتی پس مطیع تو گشت. ای خدای نزدیک، که از مغروران و فریفتگان دور نیستی، ای بخشنده ای که نسبت به امیدواران جود و بخشش، بخل نمی ورزی، خدایا! مرا قلبی بخش که شوق و عشق، به تو نزدیکش سازد، و زبانی عطا کن که صداقت و راستی اش به درگاهت بالا رود و نگاهی بخش، که حقیقتش، زمینه ساز قرب به تو گردد! خداوندا! آنکه به تو معروف گردد، ناشناخته نیست، آنکه به تو پناه آورد، خوار و درمانده نیست، و آنکه تو، به او روی عنایت آوری برده دیگری نیست، خدایا! آنکه از تو راه را یافت، روشن شد و آنکه پناهنده تو شد، پناه یافت، خداوندا! من به تو پناه آورده ام، از رحمت خویش مایوس و محروم مساز و از رفت و مهربانیت محجوبم مگردان. خداوندا! در میان اولیاء خویش، مرا مقام کسی بخش که آرزوی محبت افزون تر تو را دارد. خدایا! مرا شیفته یاد خود ساز و همتم را در نشاط دستیابی به نامهایت و

قرارگاه عظمت و قدست قرار بده. خداوندا! تو را به خودت سوگند، که مرا به جایگاه اهل طاعتت برسان و به منزلگاه شایسته و پسندیده خویش، رهنمون باش، که من، نه می توانم شری را از خویش دور سازم و نه سودی به خویش رسانم. کردگارا! من، بنده ناتوان و گنهکار توام و برده عیناک تو، که به سویت آمده ام. پس مرا از آنان مگردان که چهره لطف خویش از آنان برگردانده ای و اشتباهاتشان حجاب بخشایش تو گشته است. خدایا! مرا کمال گسستن از غیر و پیوستن به خودت عطا کن دیده دلهایمان را با فروغ نگاه به خود، روشن سازتا دیده های بصیرت دل، حجابهای نور را از هم بر درد و به کانون عظمت برسد و جانهای ما آویخته درگاه عزت و قدس تو گردد. خدایا! مرا از آنان قرار ده که ندایشان کردی، پاسخت گفتند و نگاهشان کردی، مدهوش جلال تو گشت، با آنان، راز گفتمی و نجوا کردی، آشکارا برای تو کار کردند. خداوندا! هرگز نومییدی را بر حسن ظن خویش مسلط نساخته ام، و هرگز امیدم از کرم نیکو و زیبایی نگسسته است. پروردگارا! اگر گناهان مرا در پیشگاه تو خوار و پست کرده، پس به سبب توکل و اعتماد نیکویم به تو، از من درگذر. آفریدگارا! اگر گناهان، مرا از لطف والای تو دور ساخته، اما یقین به کرم و عنایت، آگاه و امیدوارم ساخته است. خدایا! اگر خواب غفلت، از آمادگی برای دیدارت، باز داشته، معرفت به نعمتهای ارجمندت، بیدارم داشته است. خداوندا! اگر عقوبت سنگین تو، به آتش دوزخم فرا می خواند، پاداش فراوانت، به بهشتم دعوت می کند. آفریدگارا! من از تو می خواهم و تنها به آستان تو دست نیاز برمی آورم و تو را خواستارم. از تو می خواهم که بر محمد و دودمانش درود فرستی و مرا از آنان قرار دهی که همواره به یاد تو اند و پیمان تو را نمی شکنند و از سپاس تو غافل نمی شوند و فرمانت را سبک نمی شمرند. خدایا! مرا به فروغ نشاط بخش عزت خود ببیوند تا تنها شناسای تو باشم و از غیر تو روی برتابم و تنها از تو ترسم و بیم تو داشته باشم. ای شکوهمند و بزرگوار! بر محمد و خاندان پاکش درود تو باد، و سلام بی پایان و بسیار.

پی نوشتها

۱- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۸۹. ۲- همان، ج ۱۷، ص ۲۶۵. ۳- همان، ج ۱۹، ص ۱۵۸.